



درس اول:

پس از تفکر و طراحی نقشه ذهنی، بنویسیم

نشر ایمل پزینتوسندگان چهل امروزی خواهد
 در راه مهندسی نوشتن (الحمد گفت و گو کنیم و
 دسته کار شویم چو برای بنای نوشته نقشه ای یک
 تاملت نوشتن های را دقیق مهندسی کنیم
 کردن به معنای چیزی را به طور دقیق بررسی
 کردن است

نوشت (کتب عاقلانه) ساختار
 مهندس و طرح نقشه این ساختار است
 بنای مهندسی هم
 ساختار است

مهندس است
 که نوشتن است
 آن چنانچه نوشتن نقشه ای را در این
 کارها که نوشتن مهندسی که در واقع نوشتن
 است و در واقع نوشتن مهندسی است و در واقع
 نوشتن مهندسی است و در واقع نوشتن
 مهندسی است و در واقع نوشتن مهندسی
 است و در واقع نوشتن مهندسی است
 و در واقع نوشتن مهندسی است

نگارن
 بیندیشیم و نقشه کشیم
 ساختاری برای آن نظارین
 ساختاری برای آن نظارین
 را شروع کنیم کارها
 طرحی ساختار نوشتن
 اگر در این باره میند
 مورد نیازها مهندسی
 کنیم و مطلق بر این
 معمولاً
 روی صفحه کاغذ
 هر نوشته مهندسی
 شکل می گیرد
 فایده مهندسی
 کامل تر است
 بنابر این مهندسی
 است و خطای آن
 شمول
 آنکه
 میندیشیم و نقشه
 تر و جفایا مهندسی
 طبقه بندی
 این طبقه بندی
 نسل می دهند
 چرا که نوشتن



پس از تفکر و طراحی نقشه ذهنی، بنویسیم

اولین جلسه کلاس «نگارش»، با ورود معلم، آغاز شد. دانش‌آموزان که از سال قبل، نوشتن را به‌طور رسمی و روشمند شروع کرده بودند، بی‌آنکه ترسی از نوشتن داشته باشند، قلم به دست، منتظر بودند تا معلم، اصول دیگری از نوشتن را به آنها بیاموزد.

معلم، به چهره‌های شاد و آشنای دانش‌آموزان نگاه کرد و با لبخند گفت: «دانش‌آموزان عزیز، اگرچه می‌دانم، آموخته‌های پیشین را به‌خاطر دارید و برای آموختن مطالب تازه، بی‌تاب هستید؛ اما چون یادآوری بخشی از مطالب سال گذشته با درس‌های کتاب هشتم، مرتبط است، لازم می‌دانم، این جلسه به‌مرور آموخته‌های قبلی بپردازم.

امروز می‌خواهیم درباره «مهندسی نوشتن» با هم گفت‌وگو کنیم و سپس دست به کار شویم و برای بنای نوشته، نقشه‌ای بکشیم و تمام اجزا و بخش‌های آن را دقیق، مهندسی کنیم؛ مهندسی کردن به معنای چیزی را به‌طور دقیق، بررسی و اندازه‌گیری کردن است.

نوشته (کتاب، مقاله، انشا)، ساختمانی دارد و نویسنده هم، مهندس و طراح نقشه این ساختمان (نوشته) است.

نویسندگی شبیه مهندسی و معماری است؛ یک معمار و مهندس، ابتدا نقشه عملیات خود را در ذهن و سپس روی کاغذ رسم می‌کند؛ پس از آن، عملیات ساختن و پی‌ریزی بنا بر پایه آن نقشه آغاز می‌شود.

من و شما هم که می‌خواهیم قلم به دست بگیریم و نگارش را شروع کنیم، نخست باید درباره موضوع کار خود، بیندیشیم و به نقشه ذهنی آن، خوب فکر کنیم و چهارچوب و ساختاری برای نوشتن در نظر بگیریم؛ آن چهارچوب یا ساختار را روی کاغذ بکشیم؛ بعد بر پایه این نقشه، نوشتن را شروع کنیم.

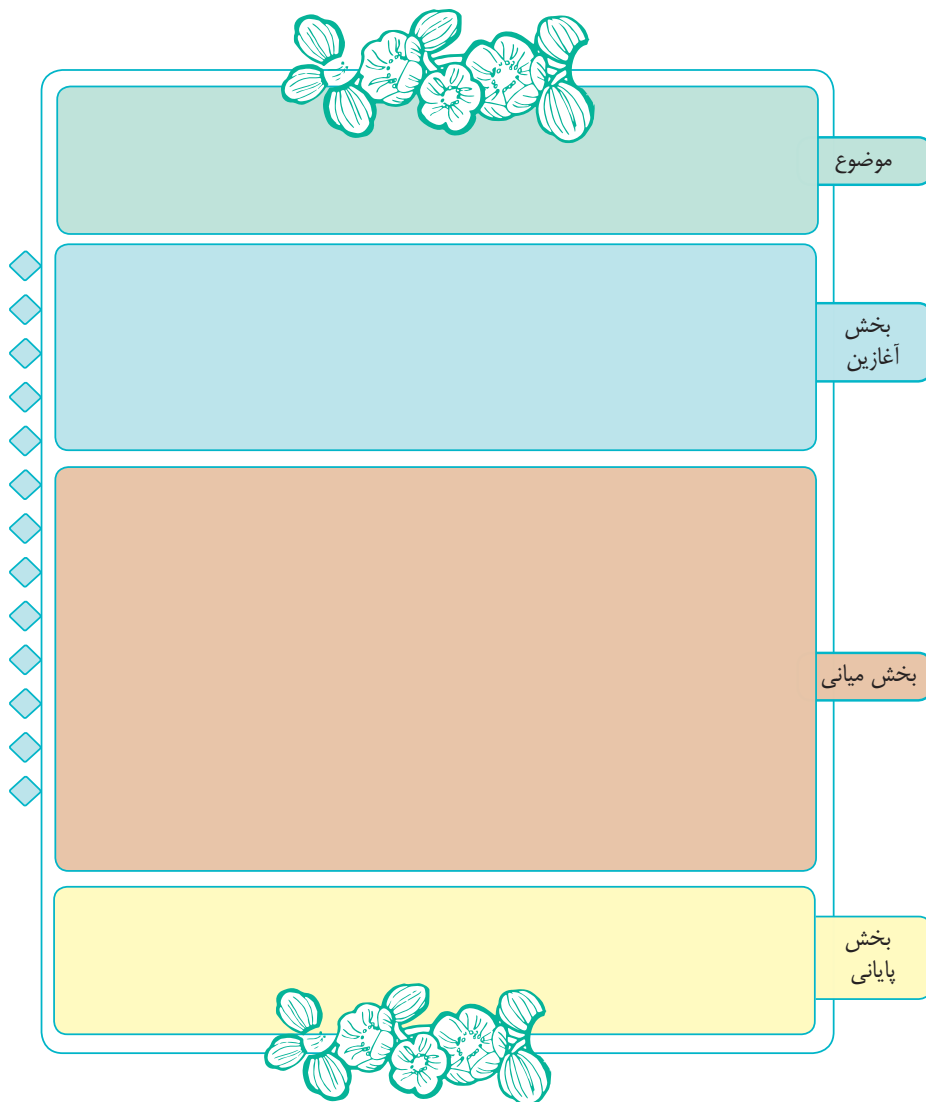
اگر در این باره بیندیشیم و نقشه راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم، آنگاه، می‌توانیم مهندسی نوشتن را آغاز کنیم و مطابق مراحل نقشه، پیش برویم.»

ترکیب «مهندسی نوشتن» برای دانش‌آموزان تازگی داشت، به همین خاطر از معلم پرسیدند: «مهندسی نوشتن، دقیقاً یعنی چه؟»
معلم، لبخندی زد و گفت: «پرسش هوشمندانه‌ای پرسیدید. پاسخ به این پرسش یکی از نکته‌های کلیدی نوشتن است.

معمولاً تصور می‌شود، نوشتن با نگارش کلمات بر روی صفحه کاغذ، شروع می‌شود؛ در حالی که چنین نیست. هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنه کاغذ، در ذهن نویسنده، شکل می‌گیرد و طبقه‌بندی و تنظیم می‌شود. هر قدر این فرایند (طراحی و نقشه‌کشی، طبقه‌بندی ذهنی و نوشتن) کامل‌تر باشد، نوشته ما نظم و سامان بهتری خواهد داشت؛ بنابراین در مهندسی نوشتن، نقطه آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان، تهیه پیش‌نویس نگارش در صفحه دفتر شماست.

اکنون باید مسیر ذهن تا صفحه دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم؛ آنچه را که در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحه دفتر بیاوریم.»

طبقه‌بندی ذهن، گام اول در تهیه نقشه نوشتن است. این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشته ما را نشان می‌دهد. در نمایه زیر، مسیر حرکت، مراحل نوشتن و چهارچوب نوشته را می‌بینیم:



شکل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتن می‌کند؛ برایش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه

این طبقه بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتن متنی دقیق و منسجم است.
شکل زیر، ساختمان ساده و طبقه بندی اولیه ذهن و نوشتن را، نشان می‌دهد.

The form is a vertical template for writing, divided into four main sections. At the top, there is a decorative floral border. Below it is a light green box labeled 'موضوع' (Topic) with two lines of dotted text. The next section is a light blue box labeled 'بخش آغازین' (Beginning) with three lines of dotted text. The middle section is a large light brown box labeled 'بخش میانی' (Middle) with ten lines of dotted text. To the right of this section are three small boxes labeled 'بند اول' (First Paragraph), 'بند دوم' (Second Paragraph), and 'بند سوم' (Third Paragraph). The bottom section is a light yellow box labeled 'بخش پایانی' (Ending) with two lines of dotted text. At the bottom, there is another decorative floral border. On the left side of the form, there is a vertical column of ten diamond-shaped markers.

اکنون نوشته بعد را با هم بخوانیم و به نقشه ذهنی و ساختمان نوشته، توجه کنیم.
نویسنده، از چاشنی طنز هم به خوبی، بهره گرفته است:

حتماً شما ضرب‌المثل «شیر تو شیر شدن» را شنیده‌اید؛ این مثل زمانی به کار می‌رود که همه چیز قاطی و درهم بشود و کار از دست کاردان در برود. فکر می‌کنم حکایت زیر مثال خوش مزه‌ای برای این موضوع باشد.

همین که برنامه کیک‌پزی تلویزیون شروع شد؛ خانم، فوراً شوهرش را که تندنویسی می‌دانست؛ صدا کرد و از او خواست که دستور پختن کیک را بنویسد. شوهر که داشت با علاقه، به دستورهای ورزشی یک شبکه رادیویی گوش می‌داد، چشمش به تلویزیون، دستش به قلم و گوشش به رادیو، شروع به نوشتن کرد. اشکال اساسی این بود که دستورهای پخت کیک، با دستورهای ورزشی قاطی می‌شد. لذا وقتی تندنویس، آن دستورات را نوشت و به خانم تقدیم کرد، خانم این‌طور خواند:

به شماره یک، دست‌ها روی شکم، یک پیاله آرد، روی شانه قرار دهید، مقداری کشمش بریزید به طوری که پاشنه پا، روی آن قرار گیرد. همین که رنگ کشمش تغییر کرد، یک پا را بلند کنید و مقدار آب را بیشتر کنید به طوری که تا زانویتان بیاید.

حالا یک الک خیلی ریز را روی شکم گذاشته، پاها را جمع نموده و با شماره پنج، بریزید. به پشت بخوابید و با شکمتان در میان زرده تخم مرغ به چپ و راست بغلتید تا زرده تخم مرغ به بدن شما برسد. هرچه بیشتر، روغن مالی شوید، اثر این حرکت، بیشتر نمایان می‌شود.

کاملاً سرتان را خم کنید و سعی کنید که دست‌هایتان روی آتش بماند؛ بعد به شماره سه، دست‌ها را بلند کنید. بگذارید سرد شود. آن‌گاه، هر دو دست را از آرنج بیندازید و روی کیک بمالید.

سر را به طرف جلو برده، روی آتش، یک چرخ بدهید؛ بعد آن را به عقب خم کرده، سرپوش، رویش بگذارید که دم کند. بعد سر را به شماره چهار، قطعه قطعه، بریده با حوله خشک کنید، در بشقاب چیده، به مهمان تعارف کنید.

حالا فکر می‌کنید، کیکی را که خانم خانه با این دستور ببزد، چه مزه‌ای می‌دهد؟ شور است؟ ترش است؟ شیرین است؟ سفت و تپلی است و یا شل و کشیده؟ باید خورد تا قضاوت کرد.

◆ ابوالقاسم حالت، با کاهش و ویرایش



◆ نوشته‌ی زیر با چاشنی طنز نوشته شده است. این نوشته را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

ضرورت بازنویسی

معمولاً آثار نویسندگان بزرگ، چند بار پیش‌نویس می‌شوند و نویسنده‌ها هم تأیید می‌کنند که پیش‌نویس اول، لازم نیست حتماً بی‌نقص باشد. بسیاری از نویسنده‌ها خیلی رُک و پوست‌کنده به شما خواهند گفت که اولین پیش‌نویس اثرشان، جنایتی در حق بشریت است. اما آنها به هر حال این پیش‌نویس اول را می‌نویسند، چون هیچ‌کس نمی‌تواند بدون نوشتن پیش‌نویس اول، نسخه یا پیش‌نویس دومی بنویسد.

اکثر نویسنده‌ها در دو حالت متفاوت، کار می‌کنند: حالت خلاق و حالت ویرایشی. حالت خلاق: در این حالت شما به خودتان اجازه امتحان کردن کارهای جدید را می‌دهید و در عین حال به این مسئله آگاهید که این کارها ممکن است درست باشد و یا ممکن است نادرست باشد. مزخرف نوشتن در حالت خلاق، اشکالی ندارد. پس سعی کنید وقتی خلاق هستید، کمی در نوشتن، بی‌پروا باشید.

حالت ویرایشی: در حالت ویرایشی، هدف شما جمع و جور کردن افتضاحی است که در حالت خلاق به بار آورده‌اید. در این حالت، شما آنچه را نوشته‌اید، جوری بازنویسی و اصلاح می‌کنید که معنی بدهند.

خشکی قلم و ناتوانی در نوشتن، زمانی اتفاق می‌افتد که نویسنده سعی می‌کند، هم‌زمان در دو حالت خلاق و ویرایشی بنویسد. هرگز این کار را نکنید. این کار مثل این است که موقع رانندگی یک پا را روی گاز بگذارید و با پای دیگر ترمز بگیرید. کمی نوشتن و بعد کمی ویرایش کردن اشکالی ندارد؛ همان‌طور که از قدیم گفته‌اند: اول بنویس؛ بعد درستش کن.

به خودتان اجازه دهید، پیش‌نویس اولیه‌ی بدی بنویسید و این جمله را روی یک تکه کاغذ بنویسید: «من اختیار تام دارم که یک پیش‌نویس چرند بنویسم؛ چون پیش‌نویس اکثر نویسنده‌ها چرند هستند؛ نوبت به اصلاح که رسید؛ درستش می‌کنم.» پس اولین کاری که به عنوان یک نویسنده، انجام می‌دهید، باید این باشد که به خودتان اجازه نوشتن یک پیش‌نویس اولیه را بدهید.

◆ (داستان نویسی، اینگرمنشن و اکونومی)

◆◆ اکنون پس از انتخاب موضوع دلخواه، سفر نوشتن را آغاز کنید. با توجه به نقشه نوشتن که در درس آموختید، به سمت مقصد حرکت کنید.

The image shows a large, light blue rectangular frame designed for writing. At the top center of the frame is a horizontal tab. The interior of the frame is filled with horizontal dotted lines, providing a guide for text alignment. The left and right vertical borders of the frame are decorated with a series of small, light blue diamond shapes. At the bottom center of the frame, there is a decorative illustration of a cluster of flowers with green leaves and light blue petals.

◆◆◆ نوشته‌هایی را که دانش‌آموزان (از تمرین ۲) در کلاس می‌خوانند؛ بر پایهٔ معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنگه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش‌نویس (داشتن نگاشتِ اوّل)؛
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ شیوهٔ خواندن.

نتیجهٔ بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- ◆ او، گاهی، به سفر می‌رود.
- ◆ او، گاهاً به سفر می‌رود.

جملهٔ اول، درست است؛ زیرا تنوین نشانهٔ ویژهٔ کلمات عربی است. واژه‌های فارسی (دوم، ناچار) نیازی به این نشانه ندارند. به کارگیری این نشانه برای واژه‌های فارسی و غیرعربی، روا نیست.

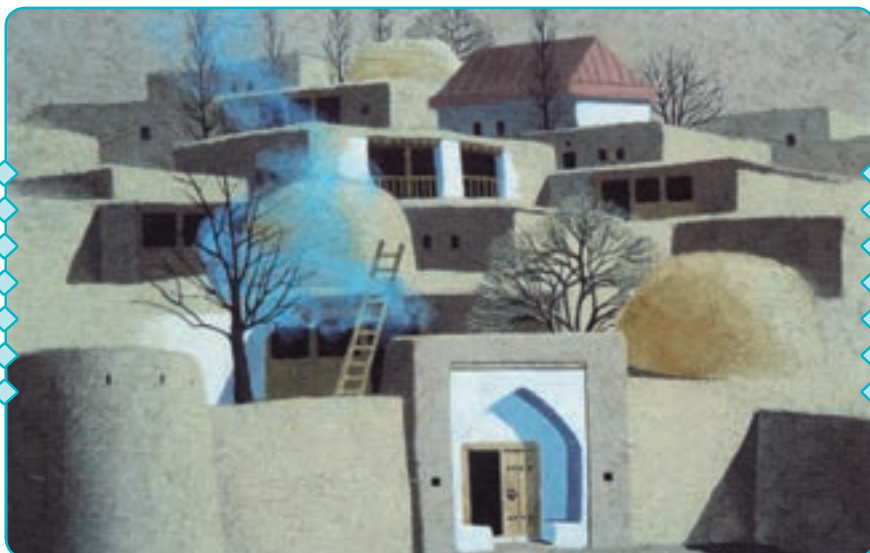
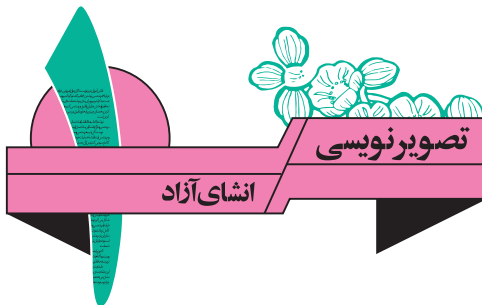
- ◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:
- ◆ این موضوع را تلفظاً به دوستم گفتم.

.....

- ◆ برای حفظ میهن جاناً و مالاً باید تلاش کرد.

.....

◆ یکی از دو تصویر زیر را انتخاب کنید و درباره آن بنویسید. پس از اینکه نوشته‌تان را در کلاس خواندید، دوستان شما باید تشخیص دهند که انشای شما، مربوط به کدام تصویر است.





Handwriting practice area with 18 horizontal dotted lines. The area is enclosed in a light blue border with a tab at the top center. The left and right sides of the border are decorated with a vertical line of small blue diamonds.

